

از آخرین چرخش کلید نود و هشت روز گذشته بود  
دستی پنجره‌ات را باز گذاشته بود  
تا هوای مانده‌ی اتاق را برای مستأجر نو به در کند  
همه چیز سر جایش بود  
دسته کلید اضافی با رنگین‌کمان پلاستیکی کوچک  
چاقوهای آشپزخانه  
ریز تا درشت  
فنجان‌های لنگ‌به‌لنگ قهوه‌ی ترک  
ترجمه‌ی ترکی برادران کارامازوف  
راهنمای انگلیسی درمان افسردگی  
موهای سمج گربه‌ات روی پیراهن سیاه من  
گریه‌خنده‌های بی‌وقفه‌ی زن ارمنی همسایه با گونه‌هایی به رنگ آتش  
همه چیز سر جایش بود  
جز خون خشک پیشانی‌ات در حافظه‌ی عکس  
که از زمین  
شسته بودندش.